



دانشنامه جهان اسلام

جلد چهاردهم

چاپ اول: ۱۳۸۹ / تعداد ۵۰۰۰ نسخه

حروف نگاری و صفحه آرایی: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت افست (سهامی عام)

نظارت چاپ، نشر، توزیع: مؤسسه فرهنگی هنری کتاب مرجع

تهران - خیابان فلسطین، شماره ۱۳۰، شماره پستی ۱۴۱۶۶، صندوق پستی ۳۸۸۵-۱۱۳۶۵، نمابر ۸۸۹۶۹۲۰۱

پایگاه اینترنتی: www.encyclopaediaislamica.com

www.daneshname.com

www.ewi.ir

این کتاب با تسهیلات حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ و منتشر شده است.

همه حقوق برای بنیاد دایرةالمعارف اسلامی محفوظ است.

قیمت: ۲۲۰۰۰۰ ریال

دانشنامه جهان اسلام / زیر نظر غلامعلی حداد عادل - تهران: بنیاد دایرةالمعارف

اسلامی، ۱۳۷۵-

ج.: مصور (بخشی رنگی)

ISBN: 978-600-447015-5 (v.14)

ص.ع. به انگلیسی:

Encyclopaedia of the world of Islam (in Persian)

کتابنامه

۱. اسلام - دایرةالمعارفها. ۲. کشورهای اسلامی - دایرةالمعارفها. ۳. ایران - دایرةالمعارفها. ۴. تمدن اسلامی - دایرةالمعارفها. ۵. فرهنگ اسلامی - دایرةالمعارفها. الف. حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۲۴- ب. بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

۲۹۷/۰۳

BP/۵/۲/د۲

واقدی، ج ۱، ص ۲۳۷). قریشیان، به درخواست ابو عامر، از مثلثه کردن حنظله خودداری کردند (← همان، ج ۱، ص ۲۷۴؛ بلاذری، ج ۱، ص ۳۹۱).

حنظله از افرادی بود که اوسیان پیوسته به وجود او در برابر خزر جیان مباحثات می‌کردند (← ابن قدامه، ص ۲۸۸-۲۸۹؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲، ص ۶۰). رامیار (ص ۲۶۴) نام حنظله را در زمره کاتبان وحی آورده است.

ابو عامر، پدر حنظله، که بزرگ قبیله اوس بود (مقریزی، ج ۱، ص ۱۳۲) در روزگار جاهلیت رهبانیت می‌ورزید و از قیامت و دین حنیف سخن می‌گفت و به «راهب» شهرت داشت (ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲، ص ۵۹). وی همچنین واجد دانش اهل کتاب بود (ابن شنه نمیری، ج ۱، ص ۵۳، پانویس). به نوشته بلاذری (ج ۱، ص ۳۴۹)، وی که سودای پیامبری در سر داشت، پس از گفتگویی طولانی با پیامبر اکرم به‌رغم ادعای حنیفیت، از سوی پیامبر فاسق خوانده شد (ابن هشام، ج ۲، ص ۴۲۳-۴۲۴؛ ابن اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۱۵۰). ابو عامر پس از این گفتگو به خشم آمد و همراه ۶۵ تن به قریش پیوست و در آنجا به تحریک مشرکان قریش و یهودیان و انصار مدینه بر ضد پیامبر پرداخت (مقریزی، همانجا). وی در جنگ بدر با مشرکان قریش همراهی نکرد، ولی در غزوه احد نخستین کسی بود که جنگ را آغاز کرد (واقدی، ج ۱، ص ۲۲۳)، و حتی گودلهایی بر سر راه مسلمانان حفر کرد که از قضا یکی از مشرکان که قصد کشتن پیامبر را داشت در یکی از آنها افتاد و مسلمانان او را به قتل رساندند (همان، ج ۱، ص ۲۵۲). ابو عامر بعد از فتح مکه به طائف گریخت و پس از مسلمان شدن مردم طائف، سرانجام به شام رفت. ظاهراً در آنجا بود که وی به فکر گردآوری سلاح و سپاه برای حمله به مدینه افتاد، اما در همانجا، در سال نهم یا دهم هجری، از دنیا رفت (ابن هشام، ج ۲، ص ۴۲۴؛ طبری، سلسله ۱، ص ۱۷۴۰؛ ابن اثیر، اسد الغابه، همانجا).

مسجد معروف به مسجد ضرار - که طبق آیه ۱۰۷ سوره توبه، پیامبر اکرم مأمور تخریب آن شد - به تحریک ابو عامر ساخته شده بود، تا پس از پیروزی بر پیامبر اکرم، وی در آنجا برایشان سخنرانی کند و حتی براساس منابع، منظور قرآن از عبارت «وَإِرْصَاداً لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» در این آیه ابو عامر بوده است (برای نمونه ← واقدی، ج ۳، ص ۱۰۷۳؛ بلاذری، ج ۱، ص ۳۲۹-۳۳۰). به نوشته مقریزی (همانجا)، ابو عامر مصمم شده بود قبر آمنه، مادر پیامبر اکرم، را بشکافد، اما به خواست خدا از این کار بازماند.

فرزند حنظله (عبدالله، کنیه اش ابو عبدالرحمان و به قولی ابوبکر)، که از صغار صحابه پیامبر اکرم محسوب می‌شد (← ذهبی، حوادث و وفیات ۶۱-۸۰، ص ۱۴۴)، نه ماه بعد از

حَنظَلَةُ بن ابی عامر، معروف به غسیل الملائکه، از اصحاب پیامبر اکرم و از شهدای جنگ اُحُد. حنظله از تیره بنوعمر و بن عوف از قبیله اُوس (ابن حزم، ص ۳۳۳) و فرزند ابو عامر عبدعمر و بن صیفی، از شخصیت‌های مهم روزگار جاهلیت، بود. وی و عبدالله بن عبدالله ابی چندی پس از مسلمان شدن، از پیامبر اجازه خواستند تا پدرانشان را بکشند، اما پیامبر آنان را از این کار منع کرد (ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۳۶۱). سبب این بود که ابو عامر و عبدالله بن ابی، منافق مشهور صدر اسلام، پس از هجرت پیامبر اکرم به مدینه، به پیامبر حسادت ورزیدند. عبدالله بن ابی نفاق ورزید و در مدینه ماند، اما ابو عامر به همراه عده‌ای از جوانان اوس به مکه نزد قریشیان رفت (ابن قدامه، ص ۲۸۹؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲، ص ۵۹؛ نیز ادامه مقاله).

براساس منابع، حنظله که تازه ازدواج کرده بود، با اجازه پیامبر اکرم، شب پیش از جنگ احد در کنار همسرش ماند و صبح روز نبرد، عازم میدان شد (برای نمونه ← واقدی، ج ۱، ص ۲۷۳؛ ابن هشام، ج ۳، ص ۵۹۴؛ بلاذری، ج ۱، ص ۳۷۹). پیش از عزیمت حنظله به میدان نبرد، همسرش جمیله، دختر عبدالله بن ابی (← ابن سعد، ج ۵، ص ۶۵)، بنا بر خوابی که در آن شب دیده و آن را به شهادت شوهرش تعبیر کرده بود (واقدی، همانجا)، چهار تن از خویشان را به شهادت گرفت که آن شب را با حنظله گذرانده است، زیرا می‌ترسید بر سر فرزندی که ممکن بود از این وصلت به وجود آید نزاعی در بگیرد (ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۳، ص ۱۴۷). حنظله در میدان جنگ بر ابوسفیان چیره شد و خواست سر وی را از تنش جدا سازد، اما شداد بن اسود بن شعوب، حنظله را به قتل رساند. در این هنگام پیامبر اکرم فرمودند: «فرشتگان او را غسل می‌دهند» (ابن هشام، همانجا). از آن پس، حنظله به غسیل الملائکه و فرزندانش به بنوعسیل الملائکه مشهور شدند (← ابن سعد، ج ۵، ص ۶۶؛ ابن جوزی، ج ۶، ص ۱۹).

کشته شدن حنظله در جنگ احد چنان مهم تلقی شد که مشرکان قریش، خاصه ابوسفیان، درباره آن اشعار و رجزهایی سرودند (← طبری، سلسله ۱، ص ۱۴۱۲-۱۴۱۳؛ ابن اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۱۵۹)، از آن جمله رجز معروف «حنظله بحنظله» بود که ابوسفیان به تلافی شکست بدر و کشته شدن فرزندش، حنظله، سرود (← واقدی، ج ۱، ص ۲۹۶-۲۹۷؛ طبری، سلسله ۱، ص ۱۴۱۰). پس از خاتمه جنگ، شایع شد که پیامبر کشته شده است. ابوسفیان و ابو عامر به دنبال پیکر پیامبر می‌گشتند که به جسد حنظله برخوردند، ابو عامر پس از دیدن پیکر فرزندش، ضمن خواندن مرثیه برای او، گفت او برای من از تمامی کشته شدگان احد گرامی‌تر است (←

حَنْظَلَةُ بْنُ رَبِيعِ بْنِ صَيْفِيٍّ أَسَدِيِّ، کنیه اش ابوریعی، معروف به حنظله کاتب، از صحابه پیامبر اکرم. وی از نوادگان اَسیدین عمرو بود. اَسید از بنو شَرِیف و از بزرگان بنی تمیم به شمار می‌رفت (ع ابن سعد، ج ۶، ص ۵۵).

درباره تاریخ ولادت وی اطلاعی نیست. به نظر می‌رسد در خانواده‌ای اهل دانش رشد کرده باشد؛ عمومی او، اکثمین صیفی*، حکیم مشهور عرب بود (ابن حبان، ج ۳، ص ۹۲) و حنظله از معدود کسانی بود که می‌توانست بنویسد (ع ابن سعد، همانجا؛ سمعانی، ج ۵، ص ۶). ابن سعد (همانجا) درباره سبب شهرت وی به کاتب، به نقل از محمد بن عمر واقدی، گفته است که حنظله بن ربیع نامه‌ای برای پیامبر کتابت کرد و پس از آن به این نام شهرت یافت. در منابع متأخرتر فقط گفته شده است که وی جزو کسانی بود که برای پیامبر کتابت می‌کرد (برای نمونه ع ابن حبان، همانجا؛ ابن عساکر، ج ۱۵، ص ۳۲۲). ابوبکر احمد بن عبدالله برقی (متوفی ۲۷۰) درباره منشأ شهرت او به کاتب گفته که او جزو نویسندگان وحی بوده است (ع ابن عساکر، ج ۱۵، ص ۳۲۵)، اما در صحت این گفته تردید وجود دارد. احتمالاً گفته ابن سعد در توضیح سبب شهرت او به کاتب، دقیق‌ترین توضیح است. ابن عبدربه (ج ۴، ص ۱۴۷-۱۴۸) نیز گفته است که حنظله بن ربیع در نبود دیگر نویسندگان پیامبر، کار کتابت را برعهده داشت. ابن ابی‌الحدید (ج ۱، ص ۳۳۸) اشاره کرده که نظر سیره‌نگاران درباره کاتبان پیامبر آن است که عده‌ای فقط وحی را کتابت می‌کردند و برخی دیگر، مکاتبات سیاسی، نیازهای شخصی پیامبر و فهرست صدقات جمع‌آوری شده را می‌نوشتند، که حنظله بن ربیع از افراد اخیر بوده است.

از حوادث زمان پیامبر، که نام حنظله در آنها ذکر شده، مأموریت وی درباره صلح یا عدم صلح اهل طائف با مسلمانان است (ع ابن عساکر، ج ۱۵، ص ۳۲۷).

حنظله در زمان ابوبکر، به همراه خالد بن ولید*، در فتوحات شرکت جست (ع همان، ج ۱۵، ص ۳۲۲) و در جنگ قادسیه*، علاوه بر آنکه فرمانده بخشی از سپاه مسلمانان بود (ع طبری، ج ۳، ص ۵۶۰)، شاهد صلح‌نامه میان مسلمانان و برخی از مردمان اهل حیره نیز بود (برای متن این صلح‌نامه ع همان، ج ۳، ص ۳۶۷-۳۶۸). پیش از جنگ، وی از کسانی بود که به دربار یزدگرد رفت و او را به اسلام فراخواند (ع ابن عبدربه، ج ۴، ص ۱۴۸). پس از جنگ قادسیه و توجه مسلمانان به مناطق شام، وی به همراه خالد به دمشق رفت و سپس، به فرمان وی، راهی مدینه شد تا خمس غنایم را به ابوبکر تحویل دهد (ابن عساکر، ج ۱۵، ص ۳۲۲-۳۲۳).

او از مخالفان حضرت علی علیه‌السلام در جنگ جمل و

شهادت حنظله و واقعه احد متولد شد. او بعدها به عنوان مردی صالح، با فضیلت، بزرگوار و عابد وصف شده است (ابن اثیر، الکامل، ج ۴، ص ۱۰۳) که از شدت تواضع همواره چشم بر زمین می‌دوخت (ابن سعد، ج ۵، ص ۶۷). آنچه وی را در تاریخ اسلام مشهور کرده است، به غیر از فرزند حنظله بودن، رهبری وی در ماجرای حَرّه است (برای شرح کامل این ماجرا و نقش عبدالله بن حنظله در آن ع حَرّه*، واقعه). ابن حزم (ص ۳۳۳) از بازماندگان عبدالله بن حنظله فقط به بنو ربیع، از فرزندان عبدالسلام بن عبدالله، اشاره کرده است که در قُرطبه متولی آهراء (خانه بزرگی که در آن خوراکیهای دربار را نگهداری می‌کردند) بودند، اما ابن سعد (ج ۵، ص ۶۵)، در ذیل نام همسران و فرزندان عبدالله بن حنظله، به فرزند وی به نام عبدالسلام اشاره نکرده است. عبدالله از پیامبر اکرم، عمر، ابوبکر، عبدالله بن سلام و کعب الاحبار حدیث روایت کرده است (ع همان، ج ۵، ص ۶۶؛ مزّی، ج ۱۴، ص ۴۳۷). کسانی چون قیس بن سعد بن عباده، اسماء بنت زید، عبدالله بن ابی‌ملیکه، عباس بن سهل، مضمض بن حوس، عبدالله بن یزید خطمی، صالح بن ابی‌حسان و عبدالملک بن ابی‌بکر نیز از او روایت نقل کرده‌اند (ع ابن سعد، ج ۵، ص ۵۵۴؛ ابن قدامه، ص ۲۸۹؛ مزّی، همانجا؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۲۹۹).

منابع: ابن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، تهران: انتشارات اسماعیلیان، [بی‌تا]؛ همو، الکامل فی التاریخ، بیروت ۱۳۸۵-۱۳۸۶/۱۹۶۵-۱۹۶۶، چاپ افست ۱۳۹۹/۱۴۰۲-۱۹۷۹/۱۹۸۲؛ ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، چاپ محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۲؛ ابن حجر عسقلانی، کتاب الاصابة فی تمييز الصحابة، مصر ۱۳۲۸، چاپ افست بیروت [بی‌تا]؛ ابن حزم، جمهرة انساب العرب، چاپ عبدالسلام محمد هارون، قاهره [۱۹۸۲]؛ ابن سعد (بیروت)؛ ابن شُبّه نمیری، تاریخ المدینة المنورة: اخبار المدینة النبویة، چاپ فهیم محمد شلتوت، بیروت ۱۹۹۰/۱۴۱۰؛ ابن قدامه، الاستبصار فی نسب الصحابة من الانصار، چاپ علی نوبهض، [بیروت ۱۹۷۲/۱۳۹۲]؛ ابن هشام، سیرة النبی، چاپ محمد محیی‌الدین عبدالحمید، [قاهره] ۱۹۶۳/۱۳۸۳؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوس عظم، دمشق ۱۹۹۶-۲۰۰۰؛ محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، چاپ عمر عبدالسلام تدمری، حوادث و وفیات ۸۰۶۱ هـ، بیروت ۱۹۹۸/۱۴۱۸؛ محمود رامیار، تاریخ قرآن، تهران ۱۳۶۹ ش؛ طبری، تاریخ (لیدن)؛ یوسف بن عبدالرحمان مزّی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، چاپ بشار عواد معروف، بیروت ۲۰۰۲/۱۴۲۲؛ احمد بن علی مقریزی، امتاع الاسماع بمالئینی صلی الله علیه و سلم من الاحوال و الاموال و الخفلة و المتاع، چاپ محمد عبدالحمید نمیمی، بیروت ۱۹۹۹/۱۴۲۰؛ محمد بن عمر واقدی، کتاب المغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶.

/ محمد محمود پور /